

# شاهنامه

## ۳۰

ارگان نشراتی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری  
سال سوم، شماره سی ام، ماه حوت ۱۳۹۴

تاریخی، فرهنگی، علمی، ادبی و هنری

بمناسبت هشتصد و دهمین سالروز شهادت  
سلطان شهاب الدین محمد سام غوری





# تذکره

تاریخی، فرهنگی، ادبی و هنری  
سال سوم، شماره سی ام، ماه صفر ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی جهانداران غوری

مدیر مسئول: نثار احمد حبیبی غوری

تنظیم کننده و سردبیر: محمد نظر حزین یار

هیئت تحریر: سید محمد رفیق نادم، استاد شاه محمود محمود، دکتور محمدعابد حیدری  
استاد عبدالشکور دھزاد، نیک محمد مستمند غوری

صفحه آرایی: محمد قسیم حزین یار

شماره های تماس: حبیبی: ۰۷۹۹۰۲۵۲۹۹ - حزین یار: ۰۷۹۹۲۳۷۵۷۹ - نادم: ۰۷۹۹۳۴۸۳۹۶

ایمیل: hazinyar.gjcf@gmail.com

آدرس: بنیاد فرهنگی جهانداران غوری، حوزہ غرب، شہر ہرات، گردہ پارک ترقی، سالون فانوس  
دربا، طبقہ چہارم.

چاپ: ستارہ نقرہ ای - کوچہ گدام ۰۴۰۲۳۲۳۱۰

## در این شماره

۱. آغاز سخن
۲. یکصد و دہمین سال ...
۳. اہمیت تاریخ و تاریخ نگاری
۴. حکایت تاریخی
۵. جایگاہ زن در اسلام
۶. حرف دل
۷. سرمایہ های اجتماعی
۸. صحت روان
۹. ارتباطات اجتماعی
۱۰. نقش شخصیت ها
۱۱. صفحہ کودک
۱۲. مدیریت

مدیر مسئول درویرایش مطالب دست باز دارد.

بدون از سر مقالہ، نوشتہ نادر مطالب دیگر صرفاً نظر نویسنده بوده و نشریہ شہسایہ در این خصوص مسؤلیتی ندارد.



# آغاز سخن

زنان نیم از پیکر جامعه ما را تشکیل داده، اداره امور خانواده بخصوص در سرزمین های اسلامی را بدوش دارند این زن است که انسان را بمدارج عالی آن می رساند، زن مادر است و از دامن آن پیامبران خداوند(ج) به هدایت انسانها رسالت گرفته و جهان را رهبری نموده و کنون هم ما که از پیروان صدیق دین مبین اسلام هستیم باید به مادران ما ارزشی را قایل باشیم که رسول گرامی اسلام(ص) آنها را برای ما به ارمغان گذاشتند.

زن سبب آرامش خانواده بوده ودرمشکل ترین حالات زندگی از فرزندش حمایت می نمایدوتا لحظات آخرزندگی اش در چنین امری آه از گلویش نمی براید، به همین اساس است که خداوندروضه رضوان را در زیر قدمهایش قرارداده است، زن بهترین و شایسته ترین موجودیست که درحالات ناگوار بخصوص به شوهران شان آرامش خاطر بوجود می آورد، اما درروال کنونی متأسفانه برخی برخلاف اصول و معتقدات اسلامی زنان را درجایگاهی تصور می کنندکه اصلاً اسلامی نبوده ونیست، دراین دیدگاه حقوق آنان نا دیده گرفته می شود، درحالیکه اسلام دینی است که برای زنان حقوق واعتبارمساوی با مردان راقایل است.

زن بر همه ناهنجاری های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازگار بوده هیچگاهی دست به تمردوتولید چالشهای زندگی نمی زند درصورتیکه مردان عاطفه وملایمتش را درک وبر خواسته های انسانی اش ارج بگذرانند درشرایط روان بعضی ناهنجاری های علیه زنان دیده می شود که معرف شخصیت پرستی، غرور بیجاوتفوق طلبی عده ی از آدمهای کشورما گردیده است که این اعمال باعث شده تا خشونت و زن ستیزی بمثابه یک فرهنگ مردود، در بعضی از گوشه های کشور ما تعمیم یابد.

این اعمال نه تنها از دیدگاه انسان و انسانیت یک امر خلاف انسانی محسوب میگردد، بلکه دین مبین اسلام به آن انزجار و نفرت نشان میدهد، از اینکه همه ساله یک روز مشخص بنام روز جهانی زن تجلیل میگردد امید واریم در این روزبر علیه تمام مصائب و بدبختی ها تعهد همه جانبه صورت گرفته به مقام و شخصیت زن بحیث مادر، ارج گذاشته شود و دیگر جایی برای خشونت انگیزی و زن ستیزی باقی نماند.

رهبری بنیاد فرهنگی جهانداران غوری حمایت خودرا از تمام زنان کشور ما بخصوص نوباوگانی که برای کسب علم و دانش همت می گمارند اعلام نموده روز جهانی زن را برای همگان صمیمانه مبارک باد می گوید.



# بمناسبت یکصد و دهمین سال شهادت سلطان شهاب الدین غوری

یادداشت مدیرمسئول ماهنامه

تاریخ همیشه شخصیت های را در درازنایش به جامعه تقدیم داشته و یا از جامعه گرفته است شخصیت ها نه تنهابه داشتن اقتصاد قوی و یا قدرت قوی زیستند بلکه درایت، کاردانی ومهارت های زندگی بوده که بعضی انسان هارا بردیگران متمایز ساخته است، همانطوریکه تاریخ امپراطوران بزرگ مورد مذاقه قرار گرفته و میگیرد، تعداد از از فاتحان سرزمین ها به خاطر درنوردیدن هستی کشور های دیگر کمر های شانرا محکم بستند و عده ی برای اعاده انسانیت و روشن نمودن ضمیر انسانی سرحدات بسا کشورهاراشکسته و تا اندازه ی به امیال انسانی و بشری شان نایل آمدند قضاوت گران تاریخ دربرسی های شان نشان دادند که حکمرانان غوری ازحکومات محلی تا سطح امپراطوری فقط دو هدف را نشانه میگرفتند، یکی نشرو بسط دین مقدس اسلام درسرزمین های مفتوحه ودیگر خدمت به جوامع مظلوم... بخاطر گرامیداشت ازیکصد و دهمین سال شهادت دلیر مردبزرگ وسپه سالار غوری هاخواستیم اشاره ی کوتاه و گذرای از زندگی اش داشته باشیم که درچند سطر آتی خدمت خواننده گرامی تقدیم میگردد.

سلطان شهاب الدین محمد سام غوری وسلطان غیاث الدین غوری از یک مادر بودند، به قول صاحب طبقات ناصری سلطان غیاث الدین سه سال و کسری از معزالدین ( شهاب الدین) بزرگتر بودومادر شان دختر ملک بدرالدین گیلانی بود هم از اصل بنجی نهاران و تخمه شنسبانیان بودند وملکه مادرایشان ازروی محبت غیاث الدین را حبشی ومعزالدین را زنگی صدا میکرد، ودراصل نام سلطان غیاث الدین محمد و نام معزالدین هم محمد گفته اند و در لهجه آنزمان غوری ها محمد را احمد می گفتند.

بعد از فتح خراسان شهاب الدین غوری به سلطان معزالدین ملقب گردید، دراکثراوقات تاریخ اورا به نام سلطان محمد غوری یاد نموده است، این نام درتاریخ هند به کرات به نام سلطان محمد یاد شده است، موصوف بعد از وفات برادرش ابوالفتح سلطان غیاث الدین غوری درسال ۵۹۹ هـ ق رسماً در پایتخت سلاطین غوری به سلطنت رسید والی تاریخ شهادتش (۶۰۲ هـ ق) بحیث سلطان غورباقی ماند که مدت سلطنت او جمعاً حدود سه سال را احتوا می کند، دراین مدت او سلطان تمام سلطنت غور بوده است، اما عده ی از مؤرخان و از جمله مؤرخ دربار سلطنت غوری ها منهاج السراج مؤلف طبقات ناصری مدت سلطنت شهاب الدین را(۳۲) سال ضبط نموده وسلطان مذکوررا درکتایش تحت عنوان « ذکر احوال سلاطین غزنی از سلسله شنسبانی» معرفی میدارد، سال رسیدن بقدرت اورا (۵۴۹ هـ ق) وتاریخ شهادتش راسال (۶۰۲ هـ ق) تحریر میدارد.

باید نگاشته شودکه سال ۵۶۹ هـ ق، مصادف است با سالها ئیکه سلطان غیاث الدین غوری درفیروز کوه سلطنت میکرد، درهمین سال بدستور سلطان غیاث الدین، تحت قوماندانی برادرش سپهسالاروقوماندان عمومی جنگش شهاب الدین غوری، شهرغزنه که بعد از فتح آن بدست علاوالدین



توسعه امپراطوری غوری و انکشاف دین مبین اسلام بود. سر انجام این سلطان نامدار، درختم یکی از لشکر کشی هادر حالیکه فاتحانه جانب پایتخت اش در حرکت بود، در مسیر راه بدست یکی از مخالفین فدایی (ملاحظه) در منزل دمیک در سال ۶۰۲ هـ ق به شهادت رسید

مورخ دیگری جریان چگونگی کشته شدن سلطان و محل آن می نگارد که: «سلطان شهاب الدین (معزالدین) رادر قریه دمیک جیلیم یک نفر فدایی کهکمر به قتل رسانید و جنازه اش در دهک غزنی دفن گردید.

آقای ثابت جریان شهادت سلطان شهاب الدین غوری را با تفصیل بیشتر تحریر میدارد که اختصار آن بشرح ذیل است: بعد از آنکه شهاب الدین غوری بغاوت کهکمران رادر سال ۶۰۲ هـ ق سرکوب نمود، عازم غزنی گردید و در منطقه مشهور به دمیک رسیدند و خیمه مخصوص شاه برپا گردید، تعداد بیست نفر از فدائیان قوم کهکمران که اقارب شان در جنگها به قتل رسیده بودند، باهم عهد بستند تا سلطان را به قتل برسانند آنها بعد از تثبیت نمودن خیمه سلطان، شب هنگام یک تن از آنها طرف خیمه سلطان آمده و دروازه بان (محافظ) را با ضرب چاقوز خمی نموده، فرار کرد، چون با زخمی شدن محافظ سروصدا برپا گردید، افراد مسلح و سایر محافظان به نزد او جمع شدند، فدائیان با استفاده از تاریکی شب به خیمه سلطان داخل گردیده، بر او حمله کرده و با زدن بیست و دو ضرب چاقو بر سلطان زخم زده او را شهید کردند. روحش شاد و یاد و خاطره اش گرمی باد.

غوری و در سالهای بعدی دوباره از دست غوری ها رفته بود و غزان آنرا تصرف کرده بودند، برای بار دوم بدست شهاب الدین فتح و به مرکز فیروز کوه الحاق گردید.

هدف ما از تحریر این مقاله کوتاه تجلیل از مقام ارشد سلطان شهاب الدین غوری است که همه ساله باید درباره او تحقیقات دامنه داری صورت گرفته و از کار نامه هایش یاد آوری گردد، در قسمت صفات آن بزرگ مرد شمشیر و قلم تاریخ نگاران حرفهای زیادی دارند که از جمله دوکتور محمد عابد حیدری یکی از تاریخ نگاران غوری در کتاب «تاریخ مختصر نظامی سیاسی غور» می نویسد:

سلطان شهاب الدین غوری یک شخص عالم، عاقل و در نهایت دلیر و جنگ آور بوده است، روحیه عالی رزمی او را از لشکر کشی ها و فتوحات او در داخل و خارج افغانستان بخوبی می توان درک کرد، اکثریت مورخان سلطان معزالدین را یکی از بزرگترین سلاطین غوری و یکی از فاتحان بزرگ مشرق زمین دانسته و به بزرگی ستوده اند.

به عقیده اکثریت مؤرخان فتح هند بواسطه او در حالیکه بدست بزرگترین و جنگ آورترین قوم نیم قاره هندی یعنی راجپوتها قرار داشت کار ساده ی نبود سلطان شهاب الدین غوری موفق شد بر آنها غلبه نموده، هند را به تصرف دولت غوری در آورد، با این فتح بنیان یکی از امپراطوری های بزرگ در شرق را اساسگذاری نماید

فعالیت های نظامی او به آنطرف درگسترش دین مقدس اسلام از اهمیت و ارزش خاص برخوردار گردید موصوف تا آخرین روز های حیات در آن دیار مصروف

#### منابع

- ۱- دکتر عابد حیدری، تاریخ مختصر سیاسی نظامی غور
- ۲- منهاج السراج، طبقات ناصری



# اهمیت تاریخ و تاریخ نگاری

سید محمد رفیق نادم

.... پیوست به گذشته

**بلی**، جای نهایت تألم و تأسّف است که حکومت قبلی افغانستان چگونه خواستند و یا ناخودآگاه فراموش کردند که در این سرزمین بزرگ یک مدنیت و یک دوره ی تاریخی بوده که امروز جهانیان از آن به افتخار نام می برند، فراموش کردند، یا قصداً خواستند این مدنیت بزرگ را از زاویه تنگ نظرانه دیده و از صفحه تاریخ خارج سازند، از بدو ایجاد، بنیاد فرهنگی جهانداران غوری که واقعاً بعضی نا ملایمات را به گوشت و استخوان خود، درد مندانه احساس نمود، در پی جستجوی واقعیت ها برآمد، اکنون از دسته مؤرخین نام می بریم که در قسمت امپراطوری اسلامی غوری هاتذکراتی داشته اند وهم باید یادآور شویم عده ی هم وجود دارند که تحت نام تاریخ نگار و تحلیل گر تاریخ هنوز هم غیرمسئولانه به تحریف تاریخ می پردازند که این عمل شانرا متعلق بخود شان دانسته و به قول شاعر می گوئیم: «ماشخ درختیم پراز میوه ی توحید..... هر رهگذری سنگ زند عارنداریم». اما تحمل ما تاجای خواهد بود که دیگر به انحراف کشیدن ها و حاشیه راندن ها خاتمه بخشیم و به همه جهانیان حالی نمائیم که نمی توان تاریخ را به مسخره گرفت.

۶- حبیب الله شاملو ایرانی؛ نام کتاب (تاریخ ایران) سال نشر ۱۳۴۷ هـ ش

۷- عباس پرویز ایرانی؛ نام کتاب (دپالمه وغزویان) سال نشر ۱۳۳۶ هـ ش

۸- کلیفورد ادموند بوسورت انگلیسی؛ در رشته تحقیقات خویش غوریان را در سلسله های اسلامی مطالعه کرده و تاریخ سیاسی آنها را روشن ساخته در تهران این اثر در سال ۱۳۴۹ چاپ شده.

۹- بوسورت؛ مقاله ی تحت عنوان (تاریخ قدیمی اسلامی غور) دارد، در این اثربحث خویش را از جغرافیای تاریخی غور آغاز نموده به دنبال آن هجوم اعراب وانتشار اسلام را در این مرزوبوم می آورد، این مقاله توسط استاد میرحسن شاه در شماره های ۹-۱۰ مجله آریانا در سال ۱۳۴۱ چاپ گردیده است.

۱۰- استالینی لین پول؛ نام کتاب (طبقات سلاطین اسلام) وی توسط عباس اقبال ترجمه و در سال ۱۳۱۲ هـ در تهران به چاپ رسیده تاریخ سیاسی غور و دودمان غوریان را توضیح داده است، لین پول در آغاز مختصراً گذشته حکمروایی غوریان یاد نموده و به تعقیب شاهان غور را باساله های حکومت داری شان بیان داشته و روابط این دودمان را با دولت غزنوی وسلجوقی توضیح داده است.

۱۱- علی اکبر دهخدا ایرانی؛ نام کتاب ( لغت نامه دهخدا) این دانشمند و لغت شناس ایرانی اثر گرانبهای خود را تحت نظر دوکتور محمد معین چاپ و نشر نموده، در این کتاب نه تنها لغات، شرح حال شاهان و دانشمندان رامی یابیم، بلکه اوضاع واحوال ممالک، جغرافیای تاریخی مناطق و شرح حال

خواننده گرامی عمیقاً توجه فرماید که دسته دیگر از تاریخ نویسان هم بصورت مختصری اشاراتی به تاریخ درخشان غورباستان نموده اند که باز هم بعضی هابواقیعت هاتحمل خوبی داشته، عمیقاً بالای واقعیت های تاریخی بررسی های همه جانبه نموده اند، در این بحث می پردازیم به نوشته های عده ی دیگری از محققین تاریخ که در کتب و رسالات شان دوره امپراطوری غوری ها به روشنی تمام بیان گردیده است.

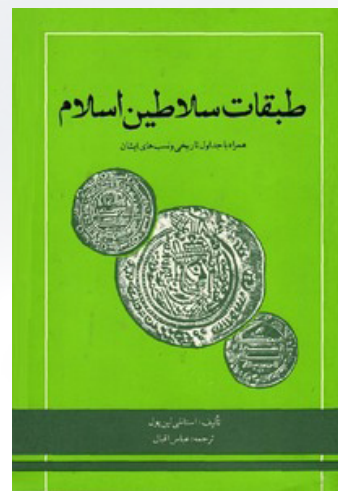
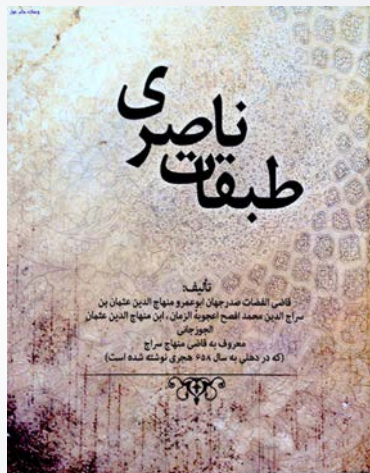
۱- سترنج انگلیسی؛ نام کتاب ( جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی) این اثر را محمود عرفان در سال ۱۳۳۷ هـ ش ترجمه نموده است، وی می نویسد؛ بیجا نخواهد بود که بگویم، مبحث غور از لحاظ جغرافیایی در کتاب ممالک اصطخری و صورت الارض ابن حوقل بیان شده و سترنج علاوه بر آن از شهر فیروز کوه منحصیث پایتخت ملوک غوروشهر آهنگران نیز نام برده، اثر مذکور مرجع خوبی برای جغرافیایوتاریخ غوریان بشمار می آید.

۲- پطروشفسکی روسی؛ وی برخلاف نویسندگان ایرانی دولت فئودالی غور را یک دولت افغانی دانسته و از اظهار نظر منحصیث یک دولت ایرانی خودداری نموده است.

۳- باباجان غفوروف دانشمند تاجیک؛ نام کتاب (تاجکان) سال نشر ۱۹۲۷ میلادی

۴- خانم لتون نویسنده انگلیسی؛ نام کتاب (مالک وزارع) سال نشر ۱۳۴۴ هـ ش

۵- محمد اعظم سیستانی؛ نام کتاب ( مالکیت اراضی و جنبش های دهقانی) سال نشر ۱۳۶۲



منار جرم و قطب منار از هم چندان تفاوت ندارند.

۱۸- پوهندوی پاینده محمد سرهنگ؛ مقاله زیر نام (غوری و غوری ها) نوشته، موصوف جغرافیای غور، نژاد غوریان، امرا، شاهان غور و اوضاع فرهنگی این دودمان را گنجانیده است که مرجع خوبی برای تاریخ این دودمان می باشد، مقاله مذکور بشماره ۱-۴ مجله آریانا در سال ۱۳۵۷ هجری در کابل چاپ شده.

۱۹- داکتر قربان بابایوف تاجیکستانی استاد تاریخ قرون وسطی؛ به همکاری استاد شاه محمود محمود پوهاند داکتر جلال الدین صدیقی؛ نام کتاب افغانستان در دایره المعارف تاجیک و آثار پژوهشگران، همچنین بابایوف مقاله تحت عنوان «غوریان» نوشته که در آن مناسبات فئودالی و نیمه فئودالی این منطقه را با ذکر تاسیس دولت مستقل غوریان و نشر دین اسلام را در این منطقه توضیح داده است این مقاله در همین دایره المعارف در سال ۱۳۵۸ در دوشنبه پایتخت تاجیکستان بزیور چاپ مزین گردید.

نتیجه

کتب و مقالات که تا کنون بدست ما رسیده و یا عناوین آن بما داده شده بیشتر از (چهل و هشت) عنوان بوده که اسامی مؤلفان و تاریخ نشر آن در فوق ذکر گردید، کتب معتبر دیگری هم چاپ گردیده (چون تاریخ فرشته، تاریخ جلالی و آثار متعدد دیگر) که بوضاحت از دوره های حکمرانی غوری ها یعنی از حکومت محلی تا زمان امپراطوری این دودمان به تفصیل بیان داشته اند اما نتوانستیم آنها را دستیاب و بحث های آنرا بخدمت دوستان و علاقمندان قرار دهیم از نگاه تاریخ و قدامت تاریخی آثار غوری ها در جهان بی بدیل شمرده می شود، زیرا آنها در صنعت معماری صنایع دستی، فلزکاری اسلحه سازی، خطوط کوفی و معرق در ساختمانها و بنا های تاریخی واقعاً بی نظیر بوده اند، اینکه در دوره های بعد از سقوط این خانواده (آل شنسب) حکومت و دولت های دیگر به چه بهانه ی یا آثار شان را تغییر شکل دادند و یا تخریب نموده، بقایای کتابخانه ها و بنیاد های فرهنگی شان را به یغما بردند، جهانیان و انسانهای دور اندیش قضاوت خواهند کرد ما «بنیاد فرهنگی جهانداران غوری» بمثابة یک نهاد فرهنگی اجتماعی صرف با تذکر داشته های قابل لمس این مدنیت اکتفا نموده و قضاوت را به نسل نو تفکرنووا میگذاریم.

دودمانها را نیز می توان مطالعه کرد، در این اثر مختصری از تاریخ و جغرافیای تاریخی غور مورد تحقیق قرار گرفته است، ملوک غور از جمله شاهان میدانده که هیچگاه در فتوحات بیم و اضطراب که شاهان ترک نژاد این عهد معمولاً در دلها افکندند، بخود راه نمی دادند و غالباً مردم عادل و نیکو سیرت بودند و در بار شان بیشتر به علما و شاعران بزرگ مزین بود این اثر در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در تهران چاپ و نشر گردید.

۱۲- سید صباح الدین عبدالرحمن؛ نام کتاب (نظام عسکری هند در قرون وسطا) سال چاپ ۱۳۸۵ هجری شمسی، در این اثر وضع تشکیلات نظامی غوریان در هند، انواع سلاح، لباس و قلاع مستحکم حربی را توضیح داده است.

۱۳- علی احمد جلالی؛ نام کتاب (مطالعه تاریخ عسکری افغانستان) این کتاب برای دانستن تشکیلات نظامی عهد غوری ها و نبردهای آنها با غزنیان و سفربری های نظامی در هند اثر خوبی است.

۱۴- داکتر سید احمد خان؛ نام کتاب (آثار العنادید) سال چاپ ۱۳۸۵ هجری شمسی، در این اثر برای روشن شدن هنر معماری و خطاطی غوریان در هند می توان استفاده نمود و کتیبه های قطب منار، مسجد قوت الاسلام و غیره را بوجه بسیار احسن توضیح داده است.

۱۵- مفتی انتظام الله شهبای اکبر آبادی؛ نام کتاب (تاریخ ملت هند) سال چاپ ۱۳۸۶ هجری قمری در دهلی، در این اثر وضع اجتماعی نظامی غوریان در هند و حملات سلطان شهاب الدین غوری و قیام مردم کهکرا و پنج آب (پنجاب) بررسی و ارزیابی گردیده است.

۱۶- اصغر حکمت سفیر ایران در هند؛ نام کتاب (نقش پارسی برا حجار هند) سال نشر ۱۳۳۵ هجری شمسی، در این کتاب فهرستی از کتیبه ها و خطوط دری بر لوح سنگهای هندوستان می باشد، همچنان در این اثر کتیبه های دری قطب منار و مسجد قوت الاسلام را از بنا های معزالدین غوری و قطب الدین گفته است.

۱۷- سنگ گوینا؛ عضو اداره باستان شناسی هند؛ مقاله ی راجع به منارهای عهد غوریان نوشته که در سال ۱۹۷۸ میلادی چاپ گردیده نویسنده معتقد است که منار سیاه پوش سیستان

# حکایت تاریخی



مدیریت ماهنامه

اکنون اراده آنست که صداقت به قرابت تبدیل یابد»، ملک غیاث الدین در جواب گفت: ماهمه ارادت مندان و فرمان برداران آن حضرتیم اگر فرزند پیرمحمد را به عبودیت قبول فرمایند چون ایلچی مقتضی المرام برگشت صاحب قران «سونج قلتق آا» را تجمل و زینتی که چشم بیننده مثل آن ندیده بود بخراسان فرستاد و امرا بزرگ مثل امیرداود، امیرمؤیدالملک را ملازم او گردانید، چون خبر وصول آن به ملک غیاث الدین رسید فرمان داد تا اسباب طوی (عروسی) و لوازم مایحتاج عشرت را مهیا گردانند و دوازده سرباز جوی نوتاسرچهارسوق طاقها نصب کردند، در دیوار شهر را به دیبای رومی وزربفت چینی آئین بستند و چند روز متعاقب به سرور گذرانیده و ملک غیاث الدین پیرعلی هر روز نبوغ و طریق دیگری امرارا انعام و خلعت های پادشاهانه و باقی نوکران و متعلقان را به تشریفات مخصوص ممتاز می نمود.

چون ایام جشن منقضی شد، ایشان را به خوشدلی تمام مرخص نمود، پس از فوت ملک غیاث الدین پیر علی پسرش پیرمحمد سلطان در سریر سلطنت نشست و از جانب صاحب قران تقویت یافت، چنانچه در خطبه در روزهای جمعه و عیدین بدین القاب یاد می شد:

«السلطان ابن سلطان، ابن سلطان پیرمحمد سلطان الهرات والغوروالغرجستان»

پیرمحمد سلطان در غور و غرجستان بسرمی برد و در شکار و عیش مایل بود، باغ ارم را که سلطان غیاث الدین محمد سام غوری در زمین داورامروزی، جهت شکار جای زمستانی خود آباد نموده به مرور زمان ویران گردیده بود، پیرمحمد سلطان آن باغ را دو مرتبه آباد کرد و در ایام زمستان بدانجا میرفت، مدتی به نیکویی، عدل و انصاف حکومت کرد، تا بر حمت حق پیوست.

در سیزدهم صفر سال ۷۴۳ هـ شمسعی بعد از فوت ملک معزالدین حسین کورت پسرش بنام ملک غیاث الدین پیرعلی بر سریر سلطنت نشست، منطقه سرخس که فعلاً میانه ترکمنستان امروزی و آستان خراسان ایران را تشکیل میدهد فرمان پدرش به ملک محمد برادر خود تفویض نمود و خودش در امور سیاست و حکومت داری طور لازم رسیدگی مینمود مدتی از هرگونه تشویشات فارغ و به رسیدگی احوال غور و غرجستان و هرات اشتغال داشت، آخر الامر نظر به افساد مفسدین و اغوای نفس و تقویه قول مغرضین، ملک محمد که به نام امیرخورد یاد می شد، در سرخس به روز جمعه خطیب را فرمود تا نام ملک غیاث الدین پیرعلی را از خطبه محو کرده و خطبه را به نام ملک محمد خواندورشته اتفاق وحدت را به نفاق و نفرت مبدل ساخت.

غیاث الدین پیر علی بعد از استماع این خبر طور برادری نامه ی فرستاد و توصیه اش کرد، ملک قبول نکرد و مخالفت نمود بعد ها غیاث الدین در هنگام زمستان لشکر فراوان گرد آورده عزیمت سرخس نمود، در این میان ملک محمد در حصار داری متوجه شد در اثر سرما و کثرت یخ و برف از جانبین تلفات زیاد دست داد، در نتیجه ملک محمد از حصار برآمده به برادر خود بیعت کرد و واپس در حصار رفته و ملک غیاث الدین به هرات برگشت.

به اساس روایت که از صفحه ۲۲۷ تاریخ جلالی به عمل آمده در همین سالها (۷۴۳ هـ ش) صاحب قران یکی از شیوخ منطقه نامه ی را با تعداد از ملازمانش به ملک غیاث الدین پیرعلی که در هرات بود فرستاد و برنامه ی دوستانه اش چنین نوشت: «میان ما و ملک دوستی قدیم است، و در تضییح محبت قدیم کوشیدن خود را در معرض اعتراض آوردن است



از حرم و خانقاه مبارک برآمده و در حجره ی که برای مجیب سلطان تعیین فرموده بودند، داخل و نکاح دختر شاه درواز را بنام مجیب السلطان بستند و خطبه ی نکاح خواندند و بعداً بدست مبارک دیگدان آن حجره را گل کردند و بعد از دوروز مجیب الدین سلطان را اجازه فرمودند که لشکر خود را طلب کرده و در غور برود.

و تأکید داشتند که در بین راه از طرف لشکرش خساره و نقض به قریه جات هرات و مربوطات آن وارد نگردد، مجیب الدین سلطان لشکر خود را ذریعه سواران اعتمادی خود پیام کرد تا از آنجائیکه بودند (غوریان - فوشنج) حرکت کردند و آنجا را غوریان نام نهادند و اخیراً بنام غوریان مشهور شد که اکنون هم بنام غوریان معروف و یکی از با فرهنگ ترین ولسوالی های هرات است.

مجبیب الدین سلطان عروس خود را در چشت گذاشت و در دهانه کوگان با لشکریانش پیوست و بعد از طی مسافت شافلان (پشتون زرغون) وارد تولک شد، در این وقت که مردم غور از دست حکام تیموری و بعد استیلای خوارزم شاهیان و هرج و مرج که در غور رخ داده بود به تنگ آمده و آرزو داشتند، یکی از نژاد دودمان سلاطین و ملوک سابق غور رویکار آید، چون خبر وصول چشم و لشکر مجیب الدین سلطان غوری را شنیدند، از همه اطراف و اکناف مربوطات غور پیام ها و نامه های خیر و مقدم، اظهار موافقت و همکاری خود را برایش فرستادند و اطمینان دادند، چون اراده حضرت الهی رفته بود که بار دیگر چراغ دوده ی آل شنسب در غور روشن گردد.

مجبیب الدین با مشورت و بدون قتال ساغر، تولک، غور (تیوره) تصرف نموده و در مندیش که جای سکونت اصلی و ابتدایی سلاطین غوری بود رفته سکنا پذیر شد، ظهیر الدین محمود پسر خود را در فیروز کوه فرستاد تا با همدستی اقوام آن سمت از مردمان کیشی و دهر او دباگران که بنام باغ ارم شهرت داشت و از زمین داور که آن حدود از ملحقات سابق غور بود بیعت حاصل دارد، ظهیر الدین که شخص سیاه فام و سبزه رنگ بود او را بزبان دری مشکین سلطان و بزبان پشتو توره سلطان می گفتند که بر حسب فرموده پدر عازم فیروز کوه گردید، مردمان الحاقیه فیروز کوه، غرستان و ارزگان و عموماً اقوام و قبایل دری زبان به مجرد شنیدن این خبر اظهار اطاعت و خرسندی نموده بیعت کردند، اما مردمان زمین داور در ابتدا با مجادله و مقابله پرداخته تا اینکه به مصالحه رسیدند و توره سلطان در فیروز کوه رفته و قریب شهر سابق فیروز کوه شهر کوچک و جدید بنا نمود و آنرا شهرک نام نهادند، بقایای سرچشمه باغ تا کنون از همان شهرک باقیست.

منابع

۱. تاریخ روضه الصفا سابق؛ ص ۲۲۹-۲۳۰
۲. تاریخ جلالی؛ ص ۲۲۷
۳. تاریخ دست نویس پروانه

از پیر محمد فرزندان نامدار باقی ماند که ذکر احوال شان در جلد ششم روضه الصفا درج است، اما در این میان فرزندان ملک پیر محمد از دید تاریخ کمتر قابل تعریف بوده اند، چون آل شنسب در تمام افغانستان، چون بامیان، غرستان، گرمسیر (خلج امروزی) یکی از ولسوالی های هلمند، خوست که به نام تولواره یاد می شود قرار داشتند و هر کدام در جای شان حکومت داری های خوبی را در خدمت مردم نموده بودند و سالها بعد یکی از نوادگان شنسب دلاور سلطان بود که در صفحه ۲۳۲ جلد دوم تاریخ فرشته از آن به تفصیل بحث نموده است می باشد که بنام دلاور خان غوری یاد شده و تاریخ جلالی در صفحه ۲۲۷ جلد اول بیان داشته که دلاور خان غوری را دو پسر بود؛ یکی سلطان هوشنگ و دیگری را مجیب الدین سلطان نام بوده است.

و مادر مجیب الدین سلطان دختر میریجی نورانی حاکم قوقند بدخشان بود، پس از انقراض دوره حکومت دلاور خان در بدخشان زمین حاکم قوقند و اقارب مادری خود بود، تاقوه ی بهم رسانید و عزم تسخیر غور ولایت و سرزمین آبایی خود را نمود، او بالشکر و حشم فراوان در حدود شکیبان امروزی که یکی از قرا بزرگ ولسوالی زنده جان هرات است قرار گرفت، بعضی از تاریخ نگاران اقامت ایشان را غوریان امروزی میدانند و آبادی قلعه غوریان و نام غوریان به نام ایشان مسمما است.

در این وقت مجیب الدین برای کسب اجازه از محضر سلطان مودود چستی که یکی از جمله مشایخ بزرگ و مورد ارادت غوریان بود غوریان را با تحایف و مصارف لنگر آن بزرگوار ترک نمود، در منطقه سونی کنونی اقامت گرفته و خیمه و خرگاهش را به آنجا استحکام بخشید و تحایف حضرت سلطان را با ایلیچی هایش فرستاده تا کسب اجازت ملاقاتش را با حضرت سلطان بنمایند.

وقتیکه نفری مجیب الدین سلطان بحضور سلطان مودود چستی شرفیاب شدند، جناب سلطان تحایف را پذیرفت و برای ملاقات سلطان غوری وقت گذاشت، در روز سوم از مقدرات الهی دختر شاه درواز که از شاهان بدخشان بود به مرض فلج گرفتار گردیده بود و شاه درواز او را با خدم و حشم زیاد به آستان حضرت سلطان فرستاده و چنین هدایت داده بود که اگر آن مریضه از لطف حضرت الهی، یمن و انفاس اولیا الله صحت یاب گردیده، حضرت سلطان اختیار او را دارد، خواه واپس می فرستند و خواه بهر یک از مخلصان خود که لازم میدانستند و میدهند مختارند و اگر صحت یاب نگردید بهمان آستانه باشد، تا اجل گریبان او میگردد و همواره مصارف او و عمله مربوط پرداخته می شود.

همان بود که دختر شاه درواز مجرد رسیدن به آستان پیر بزرگوار بدست حضرت کردگراز هودج برآمده بصحت کامل و بپای خود روان گردید، البته یاد آور شویم از منطقه که امروز بند سلما آباد گردیده پیاده با عمله و خدمتگاران به حضور حضرت سلطان مودود چستی مشرف می شود، یاد آوری میگردد که، پیش از ورود دختر شاه درواز حضرت سلطان مودود چستی شهزاده ی غور را میخواستند در همین هنگام حضرت سلطان علیه الرحمه



# شخصیت و جایگاه زن از دیدگاه اسلام

مدیریت ماهنامه



**هشتم مارچ در جهان امروزی بنام روز جهانی زن مسما گردیده است، این یک تاریخ کوتاه و نمادین بوده، در سرزمین های که این روز به حدت و شدت آن تجلیل میگردد هنوز هم زنان به حقوق خدادادی شان نایل نگردیده اند، اما همین قدر مسلم است که روزی به نام زن در جهان نام گذاری شده و درست در همان روز باشعار های آتشین از آن یاد آوری میگردد، دین مقدس اسلام برای زنان حقوق زیادی را قابل گردیده که در پرتو آن میتوانند تمام زنان از حقوق عادلانه برخوردار گردند، اینکه مانمی توانیم در اعاده حق زن عمل داشته باشیم و یا به نحوی خود را ازین امر بدور میکشیم نارسایی های اسلام نه؛ بلکه عمل نا جواز ماست که به چنین کاری دست می یازیم، بهر صورت مقاله زیر نکات اساسی را در مورد زندگی زنان در جامعه اسلامی تبارز داده که توجه خواننده عزیز را به آن جلب می گردد.**

بر اساس حکمت الهی بین زن و مرد تناسب وجود دارد تفاوتها بخاطر ایجاد تناسب بین آن دو است، مثلاً اگر همه انسانها مرد بودند و یا زن از لحاظ جسمی، روحی و روانی مانند مرد هائی بودند، مکمل یکدیگر نبودند، بنابراین، تفاوت های زن و مرد تناسب است نه نقص و کمال، قانون خلقت خواسته است با این تفاوتها، تناسب بیشتری میان زن و مرد که برای زندگی مشترک ساخته شده اند بوجود آورد.

زن برای زن بودن موجود کامل است و مرد برای مرد بودن موجود کامل است، هیچکدام در مرحله ی خود ناقص نیستند و آن دو مکمل یکدیگر اند، با این دید گاه مرد و زن هر دو مساوی هستند و تفاوت بین آنها در مقام مقایسه است، وقتی میخواهیم زن و مرد را باهم مقایسه کنیم، تفاوت بین آن دو وجود دارد این تفاوت لازم و ضروری است، اگر تفاوت ها نبودند، در آفرینش هر دو نقض وجود داشت.

بسیاری از آیات قرآن کریم با عبارت «یا ایها الذین آمنوا» شروع می شود، اشاره به این مطلب دارد که زن و مرد نزد پروردگار امتیازی خاصی بر یکدیگر ندارند و آثار نیک و عمل شایسته و تأثیر مخرب کار های ناپسند، یا به عبارتی ثواب و عقاب عمل بر هر دو یکسان می باشد.

تکریم شخصیت زن و احترامی که مکتب اسلام برای وی قابل شده همگان را به شناخت عمیق از زن و نقش مؤثر او در صحنه آفرینش فرا میخواند، در طول تاریخ بشریت هیچ تفکر و آئینی همانند اسلام زن را بجایگاه حقیقی اش نرسانده و با حقوق واقعی اش آشنا نساخته و او را بدرک شایسته مروارید وجودش دعوت ننموده است.

قرآن با آیات متعددی تمامی عقاید و باور های جاهلی وادیان تحریف شده که زن را موجود وابسته و غیر مستقل، در مرتبه ی پائین تر از مرد و طفیلی میدانستند، بی اعتبار نموده و بر همه

خداوند متعال انسان هارا از دو جنس زن و مرد آفرید و هر کدام را به ویژگی ها و صفات خاصی آراست، تا با کسب خوبی ها و شایستگی های کمالات معنوی دست یابند و با گام نهادن در صراط مستقیم استعداد های شان را شگرف سازند، اسلام برتری افراد را به زن و مرد بودن نمیداند، بلکه آنها را در گرو ایمان خالص، عمل صالح و انجام تکالیف الهی دانسته و هیچ عملی را، ولو اندک، ضایع و بی پاداش نمیگذارد، تنها ملاک برتری در نزد خداوند تقوای الهی است، همانطوریکه در قرآن کریم آیه (۱۳) سوره حجرات آمده است. ترجمه :

« ای مردم؛ ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت و ملت، قبیله و قبیله گردانیدیم، تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمند ترین شما نزد خدا پر هیز گار ترین شماست، بی تردید خداوند دانای آگاه است.» در بینش اسلامی زن و مرد در هستی یک منشأ دارند و بنا بر مصالحی آفرینش آنها دو گونه تجلی یافته اند، بر اساس آیه مبارکه (۱) سوره ی نساء. ترجمه :

« ای مردم؛ بترسید از پروردگار خود، آن خدای که شمارا از یک تن بیافرید و هم از آن جفت او را خلق کرد» در این آیه مبارک سخن از این رفته است که آفرینش انسان (زن و مرد) از گوهری واحدی است که از آن تعبیر به نفس واحد شده است.

خلقت متفاوت بشر به لحاظ زیستی، لطف الهی است، تا آنها به کمک هم و در کنار هم راه تکامل و رشد و تعالی را پیموده و به آرامش برسند، قرآن کریم به صراحت اعلان می کند که زن و مرد هر دو از یک جوهر انسانی و یک نفس واحد، خلق شده اند و زن مایه آرامش و آسودگی مرد است، به اساس فرموده ی آیه مبارکه (۱۸۹) سوره اعراف، ترجمه : « او خدای است که همه شمارا از نفس واحدی آفرید، همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید.»



آنها خط بطلان کشید، اسلام زن را که درعزالت و پستی بود از هرگونه حقوق فردی واجتماعی خویش محروم بودوبه عنوان یک موجود ناقص وفاقدروح، بی اراده و اختیار معرفی شده بود به اوج عزت و سرفرازی سعود قراردادوتاج افتخار کرمنابنی آدم را برفرق او نهاداورا همدریف با مرد انسان و خلیفه خدا درروی زمین نامید.

درقرآنکریم، برخلاف سایر ادیان وعقاید وباورهای حاکم برجامعه آن روز، زن دربین این دوربحسب ظاهر، تفاوت احساس می شود مانند سهم ارث ویا واگذاری مسئولیت خانواده به عهده ی مردوامثال اینها، ولی اینگونه تفاوتهارتباط با موقعیت اجتماعی و شرایط طبیعی آنهاداردوهیچگونه فرقی از نظر جنبه های انسانی ومقامات معنوی میان زن ومرددربرنامه های اسلام وجود نداردوهردو مساوی و برابر هستندوااین تساوی حد اقل در سه زمینه مختلف قابل بحث و بررسی است:

#### ۱. تساوی از نظر خلقت

تمام افراد بشرچه زن باشندیامردمانند یکدیگر اند، اگر ترجیح وبرتری هم باشد، دراصل خلقت آنها نیست، بلکه بواسطه کسب فضایل اخلاقی وکمالات نفسانی است، که آنها بدست آورده اند زیرا:

الف- زن ومرداز یک پدرومادربوجود آمده اند.

ب- زن ومرد از نفس واحده خلق شده اند.

ج- زن آدم از جنس آدم آفریده شده است.

د- زن ومرد مکمل یکدیگر اند...» به اساس آیه (۱۸۷) سوره بقره؛ که زن لباس مرد و مرد لباس زن اند.

قرآنکریم آدم وحوارایبیک چشم نگاه می کندواز هردوی آنهابه یک لحن سخن می گویدوهردورا بطور یکسان در سرپیچی از حکم خداوندمقصر میدانند، نه اینکه تمام گناه را برگردن حوابیندازد، کاسه وکوزه هارا بسراو بشکند، لذا؛ هردو از نزدیک شدن به درخت ممنوعه؛ نهی شدند، هردورا شیطان وسوسه نمود، هردو مورد توبیخ خداوندقرار گرفتند. بر اساس آیات متبرکه (۲۰-۲۲و۲۳) سوره اعراف، همچنین آیات (۳۵-۳۶و۱۸۷) سوره بقره توبه هردو نیز پذیرفته شد.

پس نتیجه این می شودکه زن و مرد از خلقت وآفرینش مساوی هستندوهیچ یک بردیگری ترجیح و برتری ندارندواگر برتری باشد بواسطه علم و کمالات نفسانی وفضایل اخلاقی است، که تنها با جهدوپارسایی حاصل می شودوخارج از سرشت و خلقت آنها می باشد.

بلی؛ از این جا ثابت می شود که زن نیم از پیکر جامعه بوده و درتمام امور با مردان می تواند دوشادوش هم در امورمنزل کارهای بیرون از منزل و حتا درامورسیاسی، فرهنگی، علمی و پژوهشی سهم مساوی داشته باشد. حال می بینیم چرا کلمه ی خشونت صرف برای زنان اختصاص یافته است و زنان مورد عملکرد های نا رواقرار میگیرند؟ این یک سوال کوچک نه؛ بلکه یک سوال اساسی است که باید با ژرف نگری و تعمق همه جانبه به آن نگاه کرد؛ درجامعه کنونی یا جغرافیای که ملت اسلام به آن زندگی می کنند بعضی تلقینات نا خواسته وجود دارد که زن را جنس دومی و فاقد همه امتیازات می شمارند، این نگاه نگاه علمای بزرگ اسلام نه بلکه نگاه کسانی است که با فریب خدعه دارند بر پیکر پاک اسلام مزورانه تبر می زنند، اسلام را به نفع اجانب ضعیف جلوه داده و از آن نفع می برند.

زن خواهر است، زن دختر، همسر ومادراست در هیچ دینی زن موجود دوم نه بلکه از نظر آنانیکه از دین های شان ارتدادگردیده اند به جنس دومی و انسان دومی مبدل شده است، اما زنان زیادی را در اسلام داریم که درراه اسلام رشادت نموده سرمایه های شانرا در این راه وقف نموده اند، اولین همسر رسول اکرم (ص) خدیجه را مثال میگیریم و همچنین در مذهب احناف بیشترین احادیث رسول بزرگوار اسلام را حضرت عایشه بیان میدارد، که همه ما برآن ایمان داشته و با تمام معنائز آن حمایت می کنیم.

زن خودش خود را درجامعه معرفی می کند، عفت، صداقت همکاری بامرد، تربیت اولاد، صداقت و محجوبیت دروظیفه شاهد گویای از شخصیت زن است، اگرزاقمولات منطقی کار گرفته شودهیچ مردی خائین نیست جزعه ی معدودی و همه زنان خراب نمی باشند و جز تعداد اندکی... که این مقوله مبین آنست که درهرجامعه هرگونه افرادی وجود دارد و نباید جامعه و یا کتله ی بزرگی از خلقت انسانی را زیر سوال قرار داد، پس همانطوریکه کتاب الهی زن ومرد را لازم و ملزوم یکدیگرو لباس یکدیگر معرفی می کند بایددررشد شخصیت هردو یکسان عمل نمود.

زیرنویسها

۱. مریم حسینی و معصومه بیات؛ مجموع مقالات

۲. مجموعه آثارمرتضی مطهری ج ۱۹ ص ۱۷۵

۳. قرآنکریم

ادامه دارد.....

به بهانه‌ی روز جهانی من!

کریمه طلوع

زن یعنی: من آمدم تا توبه آزاد

من

مثل یک زندانی که به بند ابدی محکوم است  
دست و پای در بندم و به دیوار سیاه رو بر  
میله هارا که بی رحمانه به تقدیر بدم می  
و به آزادی من مشکوک اند  
چه صبورانه تحمل دارم، درد را  
با همه ی سوز و گداز زیسته ام  
ولی باور دارم  
که خدایست همین نزدیکی  
دری گریسته شود پنجره ها باز کند...

درد  
حرف

ویژه روز جهانی

ای باغبان کین  
دیر یست زیر پای هوای تو له شدیم  
سیب دل شکسته ی ما را دگر نچین!

مش برسی!

## زن چیست؟

ناشناس

یک دهان خواهم به پهنای فلک  
تابگویم وصف زن را یک به یک  
زن مگو دریای راز مرد هاست  
مرجع رازو نیازو دردهاست  
زن چه باشد آشنایی ناشناس  
هر زمان پیدا شود در یک لباس  
یک زمان گردد نکوتر از ملک  
پا گذارد از بلندی بر فلک  
می شوند کان و فاء، کانون مهر  
قلب او رخشان تر از قلب سپهر  
همچو گل شاداب و خوشرومی شود  
چشم خاموشش سخن گومی شود  
گر بخواهد زن، به توجان می دهد  
هر چه می خواهد دلت، آن می دهد  
وای از آن وقتی که زن پستی کند  
باده پستی خورد مستی کند  
اندر آن دم می شود دریای قهر  
می چکاند در گلوی مرد، زهر  
سخت اندر حیرتم کاین جنس زن  
که فرشته باشد و گه اهرمن  
گر بگویم او فرشته نیست؟ هست  
باملک خونش سرشته نیست؟ هست  
ور بگویم دیو سیرت هست؟ نیست  
یا وجود بی بصیرت هست؟ نیست  
من که حیرانم از این جنس دوپا  
در تحیر مانده ام و احیرتا!

ست  
رو می بینم  
خندند

زنی زن

# سرمایه های اجتماعی در تشکیل شبکه



مدیریت ماهنامه

سازمانهای جدید از طریق قوانین اداره می شوند برای اتخاذ اعمال تصمیمات روش های پذیرفته شده وجود دارند و معمولاً مسئولیت ها نسبت به موقعیت تعریف می شوند، تا نسبت به فرد، دانشمندان امروزی سازمان را بصورت ذیل تعریف نموده اند:

## تعریف سازمان

سازمان عبارت است از گروهی متشکل از دو یا چند تن که در محیطی با ساختار منظم و از پیش تعیین شده برای نیل به اهداف گروهی با یکدیگر همکاری می کنند. در این تعریف توجه به دو مفهوم کلیدی اهمیت دارد: ساختار منظم و از پیش تعیین شده و اهداف گروهی.

تماس با دوستان مورد اعتماد، فامیل یا آشنایان اضطراب کمتری را در بردارند تا روبرو شدن با نظام های اداری و اغلب روش اول سریع تر انجام می پذیرد و نتیجه مطلوب تری را هم ارائه می دهد. سازمان ها در خلاء فعالیت نمی کنند همان گونه که آن ها مواد اولیه، پول انرژی و نیروی انسانی را از محیط می گیرند و آن ها را به کالا، خدمت یا اطلاعات تبدیل می کنند و به محیط باز می گردانند عوامل محیط خارجی نیز در فعل و انفعال سازمانی تأثیر دارند و تصمیمات و خط مشی های سازمان را تحت تأثیر قرار می دهند.

بنابراین شبکه های افراد واقعاً مهم هستند، همانطوریکه گفته اند، آنچه میدانید مهم نیست، آنهایی را که می شناسید مهم است، البته دقیق ترین است که هم آنچه میدانید و هم آنهایی را که می شناسید مفید باشند، اگر افرادی برای کمک بشما احساس تکلیف نکنند، صرف شناخت آنها بشما کمکی نخواهد کرد.

اگر افراد در صد کمک به یکدیگر هستند می بایست نسبت به این کار احساس مطلوبی داشته باشند، این بدین معناست که آنها باید تا حدی احساس مشترک نسبت به همدیگر داشته باشند، اگر آنها دارای ارزشهای مشترکی

اما هنگامیکه میخواهند کاری را انجام دهند، بیشتر آنها به این روشها و مسئولیت های رسمی توجه نمی کنند و به افرادی مراجعه می نمایند که آنها را می شناسند، تصمیمات مهم اغلب دارای مقداری مخاطره و عدم قطعیت هستند، اگر شخص به دنبال یک شغل جدید باشد یا بخواهد شغلی را به کسی واگذار نماید، اگر به دنبال شخصی برای تعمیر موتور خود باشد یا بخواهد کسی ماشین کالا شویی او را ترمیم نماید، اگر قصد انتقال خانه و یا تغییر و جابجایی شرکت را داشته باشد، یا اگر بخواهد بهترین مکتب و یا کلنیک را پیدا کند استفاده از رویه های رسمی، تضمین کننده موفقیت نمی باشد، برای انجام این کار ها، افراد اغلباً ترجیح میدهند که از نظام رسمی صرف نظر کنند و به افراد آشنا مراجعه نمایند، این وضعیت در زندگی کنونی مردمان ما نا حساب شده جا افتاده است.

## کلید موفقیت در این است که هدف خود را تعیین کنید و آنگاه طوری عمل کنید که گویی امکان شک وجود ندارد دوهمین طور هم خواهد شد.

خاص ریشه دارد، اتصالات برای افراد دیگر تعهداتی را ایجاد می کند، همین طور افراد مقابل هم تعهداتی رانسبت بشما بدست می آورند، از طرف دیگر، این مفهوم یا سنت فکری سرمایه ی انسانی درباره اقتصاد، آموزش و پرورش مرتبط است و این استعاره هم به ایده های سرمایه گذاری، انباشت و بهره برداری که در حوزه های مربوط به توسعه جهانی و استراتژی های ضد فقر یا مطالعه نوآوری تجاری و تغییر تکنالوژی مورد بررسی قرار میگیرند، اشاره دارد.

در چند سال اخیر، سرمایه اجتماعی به طور گسترده در علوم اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است، هر چند که احتساب تعداد مقالات دانشگاهی تدوین شده درباره یک موضوع شاید بهترین راه برای درک تقاضای آن موضوع نباشد، با توجه به این مسئله می توان گفت که سرمایه اجتماعی مورد توجه فزاینده ی جامعه علمی می باشد، همچنین جالب است که تعداد زیادی از روزنامه نگاران و سیاست گزاران با این اصطلاح آشنا هستند و این اصطلاح در حال ورود به فضای عمومی جامعه است.

رابرت پاتنام عالم سیاسی امریکایی، می تواند مدعی سهم زیادی از مردمی کردن اصطلاحی شود که قبل از وی مبهم بود و وی آنرا از حالت انتزاع در نظریه اقتصادی و اجتماعی، نجات داد، بطور خلاصه پاتنام سرمایه اجتماعی را بشکل زیر تعریف کرد:

«ویژگی های از سازمان اجتماعی چون اعتماد، هنجار ها و شبکه ها که می توانند کارآیی جامعه را از طریق تسهیل کنش های تعاونی بهبود دهند.»

این تعریف ابتداء مطالعه سنت های سیاسی در ایتالیا بکار برده شد، اما سپس پاتنام این تعریف را در کار بعدی خود در مورد پیوند های اجتماعی در ایالات متحده امریکا به کار گرفت ( پاتنام ۲۰۰۰ )

منبع

جان فیلد؛ سرمایه اجتماعی، ترجمه، غلام رضا غفاری حسین رضانی

باشند، بیشتر تمایل به همکاری برای نیل به اهداف مشترک خواهند داشت، نظام رسمی ترکیبی از قوانین سلسله مراتبی و نظم غیر شخصی، اغلب برای کنترل کردن افزایش بیش از حد همکاری غیر رسمی متقابل تلاش می نمایند، زیرا این مسئله می تواند منجر به ایجاد اشکالی از تبعیض غیر مستقیم نسبت به سایر افرادی که متعلق به هیچ حوزه ذی نفوذی نیستند بشود.

گفته می شود که بعضی شبکه ها مانند « شبکه های پسر کهن سال » که بر بخشهای از دستگاه خدمات اداری و رهبری تجاری انگلیس تسلط دارند یا شبکه های تجاری خانوادگی کوریا بنام « چائول » به هدف حذف افرادی که نکتایی مکاتب قدیمی را نمی پوشند یا متعلق به یک خانواده نیستند فعالیت می کنند، جورج برنارد شاو در مقدمه نمایشنامه اش بنام « دوراهی دوکتور » می گوید که تمام حرفه ها، توطئه ی بر علیه عامه هستند، گاهی اوقات روابط اجتماعی می توانند موجب طرد و منع در مواردی نیز موجب ورود و تائید شوند.

شبکه های افراد باید به عنوان بخشی از مجموعه بزرگتر روابط و هنجار های که افراد را مجاز می سازند تا اهداف شانرا تعقیب نمایند و همچنین موجب پیوستگی جامعه می شوند در نظر گرفته شوند، انتی گیدنز جامعه شناس معروف انگلیسی، نظریه خود را درباره ی ساختار بندی بر اساس گزاره بنا نهاده است که ساختار همیشه بر اساس ویژگی ذاتی رابطه بین ساختار و عاملیت ( و عاملیت و قدرت ) محدود کننده و توانمند کننده است.

بنابراین می توان انتظار داشت که گاهی اوقات گزینه های افراد بخاطر ماهیت منابعی که از طریق اتصالات شان قابل استفاده است محدود شود، در سایر مواقع آنها می توانند از شبکه های شان استفاده کنند، تا از دیگر الزام ها آزاد شوند، همچنین در مواردی با استفاده از سرمایه اجتماعی خود تلاش می کنند تا در رقابت با رقبای خود برای دسترس به منابع یکسان، پیروز شوند، عضویت در شبکه ها و مجموعه ارزشهای مشترک، در بطن مفهوم سرمایه اجتماعی قرار دارند صحبت درباره این پدیده های اجتماعی به عنوان شکلی از سرمایه، دو طرفه یا دوسویه می باشد، از طرفی به نقش آنها به عنوان یک منبع حتی به عنوان یک منبع قدرت یا نفوذ اشاره می شود که عمیق در زمینه های اجتماعی

# چرا نیاز به کار داریم؟

فاطمه غلامی

حیات ما رهنمون می کند، مقاله کنونی صحت روان را اختصاص داده ایم به نظریه انگیزشی مازلو.

### نیاز های زندگی

هیچ انسانی بطور مطلق قادر به ادامه زندگی نیست اگر یکی از نیازمندی های مانرا برآورده سازیم، طبیعی است که نیازی دیگری درمقابل ما قدمی کشد و یا بوجود می آیدواین نیازمندی و احتیاج مانرا وادار می کند که برای پیدا کردن آن تلاش نمائیم، این فرآیندجریان و تداوم داردودرتمام طول زندگی باقی می ماند، برخی افرادحتا در طول زندگی خود، به دنبال برآورده ساختن و یا ارضای نیاز های هستند که تا دم مرگ به آن وابستگی دارند.

در شماره های قبلی در باره انگیزش و انگیزه های کاری مطالبی برفوق نیازهای روانی داشتیم، هنگامیکه این نیازها برآورده شود طبیعی است که درمحیط قرارمیگیریم که از نظر روانی سالم و درخورزندگی اجتماعی است، درروال کنونی وقتیکه متوجه جامعه دوروبر ما میگردیم به موانع برخورد می کنیم که روان مانرا زیرسلطه ناهنجاری ها و شرایط ناهمگون قرارمیدهد نبود امنیت کامل فقر، بی سوادى، محیط زیست نا همواری ها شرایط نادرست محیطی، دوستی های ظاهری ودرحقیقت ریاکاری های تعلقاتی و صدها شداید دیگرمانرا دریک هاله ی از رعب ووحشت قرارمیدهد.

مازلویک شخصیت روانشناس روسی نژاد امریکایی انگیزه های زندگی را بصورت یک زینه یاپله های از یک ساختمان مجسم ساخته که پیمودن هرپله ی این ساختمان به نحوی مانرا به زندگی سالم وبی دغدغه از



### سه جمله برای دستیابی به موفقیت:

۱. بیشتر از دیگران بدان
۲. بیشتر از دیگران کارکن
۳. کمتر از دیگران توقع داشته باش

نظربه شکل فوق پله های متوالی برحسب درجه اهمیت ارائه می شوند، درپله ی پائین، نیاز های زیستی و یا حیاتی قراردارندکه وقتی کمبود پیدا می کنند مهم ترین فعالیت های ذهنی مانرا بخود اختصاص می دهند، تاین نیاز ها برطرف نشوند، نیاز های دیگرخودنمایی نمیکنند، مثلاً وقتی گرسنه هستیم نیاز های مربوط به ایمنی و خود شگوفایی دردرجه دوم اهمیت قرارمیگیرند، وقتی به اندازه کافی وبه شیوه منظم غذا میخوریم، گرسنگی اهمیت خودرا به عنوان یک انگیزش از دست میدهد. ماآماده می شویم تا سطوح دیگر نیاز هارارضاکنیم، این رونددرمورد سایر نیاز های زندگی، مثل استراحت و نیاز جنسی نیز ادامه می یابد.





باین همه تازمانی که فرد در موقعیت وابستگی قرار نگیرد و دوباره محرومیت های احتمالی تردید نکند، احساس نخواهد کرد که به امنیت نیاز دارد، آنچه را که آرزومی کند این است که همه چانسها در اختیارش باشند اگر باور کند موفق شده است، بیشتر تمایل خواهد داشت که با خطرات روبرو شود اما اگر تهدید احساس کند و یا خود را در حال وابستگی ببیند، اولین نیاز او تضمین آینده مصئونیت امنیت و آرامش خواهد بود.

به نظر مک گرگور (۱۹۵۷) نباید تصور کنیم که نیاز به مصئونیت محیط زیستی برای همه کارکنان اهمیت قابل ملاحظه ی دارد دستورات مدیریت رفتاری که در امنیت شغلی تردید بوجود می آورد، رفتاری که تبعیض نشان میدهد و اجرای غیرمنتظره برخی سیاست های می توانند بصورت عوامل انگیزشی قوی وارد عمل شوند و نیازهای ایمنی را در همه سطوح کارکنان پیدا کند.

نیازهای ایمنی کارکنان کم و بیش، زمانی برآورده می شود که آنها کاردایمی و تمام وقت داشته باشند، در واقع کاردایمی برای آنها حقوق ثابتی فراهم می آورد و اجازه میدهد تا غذای مناسبی بخورند، مسکن داشته باشند و لباس آبرومند تهیه نمایند.

ادامه دارد.....

اصلی که اغلباً فراموش می شود، این است که نیاز ارضا شده، عامل تعیین کننده رفتار نیست، مثلاً هوای که تنفس می کنیم، تازمانی که از آن محروم نشده ایم هیچ انگیزش مهم بر رفتار ما نخواهد داشت اجتماع که در آن زندگی می کنیم، ما را برای کار کردن، یادست کم برای پول پیدانمودن برمی انگیزد، تا بتوانیم نیازهای زندگی خود را برآورده کنیم، بدون پول، ارضای نیاز اولیه مثل خوردن پوشیدن مسکن داشتن، اگر هم غیرممکن نباشد، بسیار دشوار خواهد بود.

نیاز های ایمنی

وقتی نیاز زندگی یا زیستی برطرف شد، نیاز های ایمنی ظاهر میشوند. رفتار های را برمی انگیزند که آنها را ارضا خواهند کرد نیازهای ایمنی فرد را به این فکر وامیدارند که مصئونیت فعلی و آینده خود را تضمین کند. مثلاً؛ اوسعی می کند، در سازهایی که کار می کند، برای خود امنیت شغلی فراهم آورد، طرح های بیمه و برنامه ها یا پلانهای دوران تقاعد معتبر، محیط کاری راحت، سازمان یافته، منظم و اطمینان بخش تدارک ببیند همچنین فرد می خواهد که خود را در مقابل بی عدالتی مصئون بدارد، به آزادی گروه ها و انجمن ها اهمیت بدهد و حقوق دریافت کند که او را از محرومیت دور نگهدارد، در واقع فرد سعی می کند که خود را از هر نوع خطر، تهدید یا محرومیت محافظت کند.

# ارتباطات اجتماعی



مدیریت ماهنامه

چیزیکه خیلی با ارزش است، محبت و تعلق خاطر به یکدیگر باعث استحکام روابط انسانی در جامعه می شود. با محبت و علاقه به یکدیگر بسیاری از مشکلات گشوده خواهد شد و اعضاء جامعه در رفع نقایص یکدیگر همکاری کرده، و به نحو ممکن انجام کارها را تسهیل می کنند و از انعطاف لازم برخوردار می گردند.

رسول بزرگوار اسلام (ص) میفرمایند: «جُيِلَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَ بُغْضِ مَنْ أَسَمَاءَ إِلَيْهَا»

(دلها به اقتضای فطرت آن کسی را که به آن ها نیکی کند، دوست می دارند و کسانی که به آن ها بدی می کنند کینه پیدا می کنند).

همچنین در قرآن کریم آمده است: ... رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ ... (پاران پیامبر روابط محبت آمیز با هم دارند). «وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ». (ای محمد ص); هرگاه دارای دلی سخت و روحی خشک بودی، مردم از اطراف تو پراکنده می شد.

اصول اساسی ارتباطات اجتماعی

هدف، تنها باز بودن انسانها به سوی دیگران و بنای روابط سالم و سازنده اجتماعی نیست، بلکه نگهداری ارتباطات انسانی، بقا و امنیت ارتباطی بین انسانها مورد توجه است، بنابراین چند اصل اساسی در نگهداشت ارتباط انسانی عنوان می شود:

از مدتی بدین سو، ماهنامه شنسبانیه در پخش و نشر مطالب علمی تاریخی، ادبی، صحی، هنری و اجتماعی می پردازد، این مطالب کاملاً بروفق نیاز های زمان و مورد استفاده همگان قرار دارد آنانیکه با تعمق بمطالعه شنسبانیه می پردازند، باعلاقمندی نظرات و پیشنهادات سالم و سازنده شانرا عنوانی مدیریت ماهنامه گسیل داشته و خواهان مطالب دلچسپ و کارآمد روزگارانند، تا کنون چندین نامه یا تماس های تلفونی از دوستانی به این عنوان مواصلت ورزیده و وانمود ساختند که جهان بصورت یک دهکده عرض وجود نموده، اما کمتر دوستانی اندکه در قسمت اهمیت و مزیت های ارتباطات معلومات دارند، دوستان دیگری خواستند فصل جدیدی به شنسبانیه گشوده شود و راجع به خصوصیت های ارتباطات و همچنین آیا ارتباطات تنها در سطح سازمان هاست و یا تمام اقشاریکه در جامعه زندگی می کنند، نیاز به ارتباطات دارند؟

بدین منظور مدیریت شنسبانیه تصمیم گرفت یک سریال زیبایی از جامعه شناسی ارتباطات رادر شماره های بعدی شنسبانیه به خدمت دوستان و علاقمندان زیر تیتیر ( ارتباطات اجتماعی) اضافه نماید، امید وارا است با مطالعه این مطالب که از منابع معتبر جهانی و تجارب کاری بعضی از همکاران منشأ گرفته بتواند به معلومات وداشته های خواننده های گرمای ما بیفزاید.

بلی، از آنجائیکه انسان بحیث یک موجود اجتماعی و به قول کلام الله مجید ( بدرستیکه انسان آفریده شده به زیبا ترین صورت <سوره تین>) و یکی از خواص عمده و لازمی آن ارتباط با یکدیگراست، واقعاً علم ارتباطات نیز یکی از نیاز های ماست تا پیرامون آن معلومات لازم را حاصل نمائیم .

• اصل تقابل

باید توجه داشت که هیچ بنای دوستی یکطرفه باقی نخواهد ماند، باید همواربرموازیین احترام متقابل و دوستی دوجانبه تکیه داشت و بدرستی شاعر چنین زیبا گفت:

چه خوش بی تا محبت هردوسر بی  
که یک سربودنش را درد سربی

نباید خوبی هارا بی جواب گذاریم وهمچون کوه یخ در برابر سرچشمه های جوشان محبت باقی مانیم تا از این رهگذرنه تنها شبکه روابط انسانی خود را بنا کنیم، بلکه از آن نگهداری نیز بنمائیم.

دربین دانشمندان علوم اجتماعی، مفهوم مبادله اجتماعی از مهم ترین مباحث است، براساس آن روابط انسانی برپایه تبادل استوار می شود، انسانها در نوعی دادوستد قرار میگیرند که در جریان آن تا حدی برای بدست آوردن هدف مشترک شان راضی می شوند، حتی آنان تا مدتها سخن از بخشش مطلق و به هیچ چشمداشت نگاه می کنند، بسا انسانها امروزه در اندیشه ی خود تجدید نظر نموده اند.

در این راستا یک حکایتی از قبایل سرخ پوست امریکایی شمالی را به عنوان مثال که در دایرة المعارف علوم اجتماعی آمده است ذکر می کنیم؛ در بین این قبایل سالهای سال مروج بود که اگر نزاعی بین دو گروه صورت میگرفت، بعد از حل منازعه یکی از گروه محفل بزرگی را بنام «پوتلاچ» برپا می نمود، در این محفل مقدار زیادی از دارایی شخصی شانرا به طرف مقابل هبه و یا بخشش می کرد، این موضوع تا سالهای زیادی فقط به نام بخشش و گذشت از منازعه محسوب می شد، اما سالهای بعد این فرآیند توری تفسیر گردید که یک طرف منازعه داشت با پرداخت مقدار از دارایی اش به رقیب منازعه میخواست نام خویش را بلند جلوه داده و حریف را تحت تأثیر داریی اش قرار دهد و او را برای ابد مرهون و ممنون احسانش قرار دهد.

این روش آشتی نه تنها وسیله ارتباطات مؤثرو دایمی نبوده، بلکه آغاز یک منازعه دیگری بود که چندین سال بعد جوانه می کشید و طرف را به شکست مواجه

مینمود، هدف ما از ارتباطات اجتماعی همان فرموده خداوند(ج) است که: « شما در کارهای مفید باهم تعاون و همکاری داشته واز کارهای زشت بپرهیزید» می باشد که این اصل واقعاً احترام متقابل و همکاری دوامدار است نه تحت تأثیر آوردن شخص دیگر.

• اصل اندیشه ترکیبی

در جریان ارتباطات انسانی از آنیت یا ارتجال و بدیهه گویی محض، پرهیز گردد، این بدان معناست که در هر عمل اندیشیده عمل کنیم گذشته را بخاطر آوریم و به نوعی عمل سنجیده شده ارائه نمائیم. تصور کنید دوستی را که سالها محرم و مونس شماست، حال از اوتقاضای عملی یا کاری نموده اید و او از انجام آن اجتناب کرده است، اولین تمایل انسان این است که فرد مذکور را در ورطه فراموشی و دوراز حلقه دوستی اش قرارداده، یعنی از اونا رضایتی خویش را تبارز دهد، نتیجه اش این خواهد بود که چنین دوست صمیمی یکباره به لست فراموش شده ها قرار گیرد، این عمل باعث میگردد، که روابط به سردی گرائیده و بالاخره اگر جیرانی صورت نگیرد ممکن کینه های دیگری به بار آورد، که سرانجام بیک منازعه کشیده خواهد شد.

راه دیگر تعمق، تفکر و پرهیز از هر عملی است که صرفاً در پرتو هیجان آنی صورت پذیرد، گذشته ها را در نظر آوریم همه خوبی های دوست را در ضمیر روشن ارزیابی کنیم آنگاه می بینیم که اساساً شاید جای برای حتا گلیله هم نیست، باید از نوسانی شدن ارتباطات خود بپرهیزیم روابط سالم انسانی، مستمر، ثابت و پیگیرنده داشته باشیم زیرا گفته اند؛ و آنجا که ارتباطی با نوسانهای سخت مواجه است، دچار آفت و در معرض تهدید است.

منابع

۱ - اسراء: آیه ۳۶.

۲- داکتر باقر ساروخانی؛ جامعه شناسی ارتباطات

ادامه دارد....

# نقش شخصیت‌ها بخصوص جوانان



سید محمد رفیق نادم

برای نجات بشر و نقش آفرینی مناسبات خوب از هر دو ایده‌ی حق و باطل شخصیت‌های بزرگی وجود داشته که می‌توان به آنها لقب پیامبر، اولیا، عالم، نابغه، مخترع، پروفیسور و غیره راداد، که هر کدام در راستای تأمین زندگی و بهبود امور اقتصادی و سیاسی نقش عمده و اساسی داشته و نیروهای متشکله‌ی انسانی پیروزساز این پیشروان بوده و در بین توده‌های میلیونی قشر جوان بخصوص تحصیل کردگان با احساس و پرتحرک در طول تاریخ بشریت از جایگاه خاص برخوردار بوده و می‌باشند.

شخصیت‌های پیشرو و تصادفی بوجود نیامده و در این باره علل و اسباب مؤثر بوده است، اگر به رشد و تکامل جسمی انسان نظر اندازی شود، می‌بینیم انسان‌ها در آوان طفولیت شبیه یکدیگرند و از لحاظ ساختار فیزیکی هم تفاوت چندانی ندارند ولی بمرور زمان از اثر علم و دانش، تربیه و اخلاق تفاوت‌های بوجود می‌آید و شخصیت‌ها را متمایز می‌سازند.

تعلیم و تربیه و شخصیت‌سازی هر انسان از طفلی و نو جوانی باید شروع شود، زیرا انسان در مرحله نوجوانی نیرومند بردار و پر استعداد می‌باشد، قوه مدرکه و محافظه‌اش در سطح بلند قرار دارد و می‌تواند از آموزش‌های علمی برداشت خوب نماید.

بملاحظه تاریخ رشد و انکشاف شخصیت‌های ویژه بسیار روشن است، سیر تکامل بشری گواه زنده می‌باشد، کاروایی شخصیت‌ها در عرصه‌های علمی، تخنیکی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و انجام خدمات پرمفعت اجتماعی در جهان اظهار من الشمس است پیشرفت‌های علمی بشر امروز را به تکامل و تمدن رسانده، هر کشور آرزو دارد تا آنچه دارد، به مدارج عالی تری برسد.

ادامه دارد...

انسان‌های مقیم در کره زمین بر اساس ضرورت‌های زندگی و بخاطر بقای خویش، بحکم نیاز مبرم جمعیت‌ها را تشکیل داده‌اند هر جمعیت بربیک سرزمین مشخص و معین زندگی اختیار کرده و برای تأمین آمادگی زندگی شرافتمندانه در پی تحصیل و تعلیم علوم برآمدند، عده‌ی از آموزش‌های دینی آسمانی و تعلیمات اسلامی مستفید شدند، عده‌ی از علوم معاصر بهره بردند، دانش بالای زندگی مادی و معنوی انسان‌ها تأثیر خاص داشته تعیین‌کننده سرنوشت‌شان می‌باشد.

از ابتدای پیدایش بشر تا امروز مسئله مهم در بین انسان‌ها عقیده و ایده بوده است، هر جامعه خواه نخواهی بر ایده‌های گوناگون، بشکل از اشکال پیوند داشتند، لزوماً ایده‌حق و ایده باطل در کنار هم قرار گرفتند، ایده حق بر مبنای ارادت واضح، عدالت، زیست مسالمت آمیز و عدم تجاوز بر حقوق دیگران را مقتضی است، پیروان ایده‌های باطل چون از مرجع تعمد و الهام‌گیری نداشتند، همه چیز را بلا استثنا مربوط بخود و حق خود میدانند، پیروان ایده‌های حق و باطل همیشه باهم در تضاد و درگیری قرار دارند، نشیب و فراز، شکست و پیروزی رادوار تاریخ تجربه کردند و تا حال این وضع دوام دارد که یکی از عوامل تشنج و کشمکش‌ها در بین انسان‌ها می‌باشد، علت بزرگ و اساسی که انسان‌ها را به رویارویی میکشاند و تضادها را تشدید می‌بخشد مسئله اقتصاد است، الزاماً هر کشور برای خوب زیستن تلاش می‌ورزد عده‌ی پایبند اصول و مقررات وعده‌ی بدون رعایت هیچ چیز طور دلخواه خود عمل می‌کنند، اگر چه به ضروریان کشور دیگری باشد، حتا در غصب ثروت‌های آن طرف مقابل مجبور به دفاع میگردد، این تعرض و دفاع زمینه ساز خصومت و هم عدالت میگردد.

# محافظت طفل از صدا های وحشتناک

محمد حسیب حزین یار

رادر چند قدم دورتر از جاروبرقی نگهدارید، تا آهسته آهسته به وسیله ی مذکور صدای آن آشنا گردد.

بعضی اطفال و بطور عموم اطفال از حمام می ترسند، ریزش آب گرم و یاسرد بطور ناگهانی بالای جسم طفل یک انعکاس نا مطلوب برایش ایجاد می نماید، طفل بین یک ودوسالگی ممکن است به علل عدیده ی مانند، لخشیدن، سوزش چشمها از اثر استعمال صابون و شامپو در آنها وحتا دیدن و شنیدن صدای آبی که از تانکی دستشویی ریخته می شود بترسد، برای جلوگیری از رفتن صابون به چشم ها لیف و یا همان کیسه را به اندازه ی تر نشود که از آن آب بچکد.

همچنین شامپوهای متعددی برای اطفال وجود دارد که چشم ها را نمی سوزاند، اگر طفل از رفتن به حمام می ترسد، هرگز او را مجبور نسازید، در این حال می توان او را در لگن بزرگی حمام داد و اگر این هم می ترسد، بهتر است تا چند ماهی او را حمام اسفنج بدهید تا قدری دل و جرئت پیدا کند، این به آن معناست که با یک تکه نرم و ملایم که به آب نیمه گرم تر شده باشد تمام جسم طفل را مساج داده تا عرق وجودش چیده شود و اینکار در صورت طفل نیز بر حسب بازی کردن با طفل صورت گیرد، آنجاست که طفل خود بخود به حمام کردن علاقمند شده و به راحتی می توان او را حمام داد.

به همین منوال می شود آهسته آهسته طفل را به تب و یا داخل حمام که از لوازم عصری مجهز است عادت داد و در این روش هیچگونه ترسی بر طفل مسلط نمیگردد، در هنگام بهار و تابستان طفل هنگام بازی درجوی های که آب پاک دارد و یا حوضچه های حویلی می تواند با نظارت والدین آبتنی نموده و به شنا و آب بازی عادت نماید اینکار سبب می شود تا جرئت طفل رشد نموده در بزرگی بحیث یک ورزشکار قوی تبارز نماید.

همانطوریکه گفته شد آشنایی با صدا ها و عکسهای خشن همچنین فلم های وحشتناک اجازه دهید اطفال شما با بازی های کمپیوتری یا گیم ها علاقمندی نشان داده و در اوقات مختلف برای رشد ذهنی اش از بازی های ساده گرفته تا بازی های پیچیده کمپیوتری استفاده نماید آنگاه طفل متجسس، متحرک و مبتکر بیار خواهد آمد.

تا مطالب دیگر.....

هر انسان از صدا های مخوف و وحشت زا می ترسد، کودکان که به چنین صداها کمتر آشنایی دارند، شنیدن این چنین صدا ها برای شان تحمل نا پذیر است، اطفال نه تنها از صدا های وحشتناک می ترسد بلکه بالای روان آن تأثیر ناگواری داشته و گاهی مشکلات و اختلالات روانی تولید می نماید، بهمین اساس طفل در یک سالگی ممکن است نسبت به چیز های مانند؛ تلفون، طیاره، چراغهای برق و غیره تا چند هفته علاقه ی شدیدی پیدا نماید، به طفل اجازه دهید تا آنچه را ناراحت کننده و خطرناک نیست دست بزند و لمس نماید تا با آنها آشنا شود، بهرحال در بعضی موارد طفل از بعضی اشیا دچار ترس و وحشت می شود.

در اینصورت پدر و مادر بهتر است، ذوق و علاقه طفل را با ریچه قرار ندهند و او را گول نزنند و یا اگر چیزی خطرناکی است، نسبت به آن اسرار و پافشاری نکنند، متوجه کردن فکر طفل در این سن ممکن است از هر چیز نامأنوسی که ناگهان به حرکت درآید و با صدای بلند گوشخراشی تولید نماید، بشدت بترسد، مانند تصاویر و عکسهای تاخوردگی که در اثر باز کردن کتاب ناگهان باز می شود و به حالت برجسته ی در میآید.

باز کردن چتری، صدای جاروبرقی، هارن خطرو آژیر (موتورهای اطفائی امبولانس و غیره) صدای غوغو سگ و یا سگی که در حالت جست و خیز باشد، صدای باد که بخانه ها و درختان می پیچد و سایر صدا های که همیشه وجود نداشته و دفعتاً بروز می نماید، برای طفل اتفاق ناگواری خواهد داشت.

تمام کودکان کم و بیش می ترسند و این قسمتی از تکامل کودک است و علت آن هم روشن است زیرا، درک اطفال از وقوع حادثه، یا اتفاق یا حرکت ناگهانی یک شی و یا چیز های از این قبیل ناقص است همانطوریکه برای ما بزرگ سالان نیز اگر علت حادثه را نفهمیم ممکن است، از آن واقعه حراسان شویم، به طبع یک کودک دوساله خیلی چیزها را نمی داند و بنابراین از خیلی چیزها می ترسد.

سعی شود طفل یک ساله از این صداها و مناظر تکان دهنده و وحشتناک دورنگهداشته شود، تا به تدریج با آنها آشنا و عادی گردد، برای نمونه اگر صدای جاروبرقی، طفل را ناراحت می کند، چند ماهی از آن کار گرفته نشود و یا حداقل تا زمانی که طفل در اتاق است از استعمال آن خودداری گردد، بعد ها به هنگام بکار بردن مجدد آن، در اوایل طفل

# پیش بینی در پلانه‌ها یا برنامه‌ها



تأخیراندازند یا پیش بینی کاهش ارزش دارم‌نجر به فعالیت های مختلفی در آینده شود.

بطوریکه ملاحظه می شود، در این پیش بینی، هم عامل آینده وجود دارد و هم عملیات، ولی هنوز برنامه ریزی محسوب نمی شود زیرا در آن عنصر انسانی و یا سازمانی وجود ندارد، برای اینکه پیش بینی ارزش دارم تبدیل به برنامه ریزی شود، باید برنامه ریزی فردیکه برای ساختن پلانه‌ها، استراتژی‌ها و عملیات کاری سازمان مؤظف می شود، عملیات مربوطه را در آینده انجام دهد.

چنانکه متصدیان یکی از بانکهای خصوصی بعد از اینکه کاهش دالر را پیش بینی کردند دستور دهند که قسمت مربوط اقدام به فروش ذخایر دالر بانک بنماید، در این صورت این عملیات کلاً برنامه ریزی محسوب می شود، زیرا در این عملیات سه عنصر برنامه ریزی که عبارت است از آینده، عملیات و اراده انسانی وجود دارد.

مفاهیم دیگری نیز وجود دارند که با برنامه، کاملاً ارتباط دارند از جمله هدف معیاری (استاندارد)، وقتی برنامه ریزی بصورت نتیجه مورد انتظار توصیف می شود، برنامه و هدف یکی می شوند، مثلاً ممکن است برنامه افزایش فروش به میزان ده فیصد برای یک نهاد تولیدی در سال آینده، بصورت هدف برای آن سازمان یا نهاد جلوه کند.

استندرد عبارت است از معیاری که براساس آن می توان تشخیص داد که برنامه تا چه حد پیشرفت کرده است، یا به زبان دیگر استندرد وسیله ی جهت مقایسه عملیات با انتظارات است.

عموماً در هر پلان مدیریتی بعد از تعیین اهداف، پیش فرضها یا پیش بینی های در نظر گرفته می شود که این پیش بینی ها سبب آن می شود تا پلان مدیریتی بصورت درست مورد عملکرد قرار گیرد، به این ترتیب که بعد از تعیین هدف باید حوادث یا رویداد های را پیش بینی کرد که در جهت نیل به هدف، مؤثر باشد، تشخیص صحیح آینده، مهم ترین عامل برنامه ریزی موفقیت آمیز است، نتایج پیش بینی هادربودجه ارگان مربوطه یا سازمان منعکس می گردد. در پیش بینی باید به دو مسئله مهم توجه کرد:

الف - مدیریت زمان (کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت)

ب - میزان ذخایر مالی به منظور تأمین فعالیت های مورد نظر.

آمارها و پیش بینی اوضاع آینده به افراد انسانی کمک های لازم را می نماید، لازم به یاد آوری است که به علت وجود عوامل بسیاری که از آثار آشکار و پنهان فعالیت های خارج از نظارت مجری برنامه ناشی می شوند، هیچ یک از پیش بینی هانی توان صد فیصد صحیح باشد، بنا بر این کلیه پیش بینی های آماری هم براساس احتمالات است.

اصولاً پیش بینی و برنامه ریزی، ارتباط بسیار نزدیکی باهم دارند، ولی پیش بینی با پلان یا برنامه ریزی تفاوت دارد، پیش بینی یعنی حدس زدن درباره اوضاع و رویداد ها در آینده که ممکن است اراده انسانها در آن چندان دخالتی نداشته باشد اما در برنامه ریزی اراده انسانی و ترتیبات سازمانی نقش دارد. به عنوان مثال؛ پیش بینی هوا همیشه لزوماً راه مشخص را برای دیگران تعیین نمی کند، فقط بعضی مواقع اقداماتی را که مربوط به پیش بینی هواست انجام می دهند، مثلاً افرادی به علت پیش بینی برف شدید ممکن است مسافرت خود را به



و انما عجم اهل افق  
مستحسن عجم اهل افق  
مستحسن عجم اهل افق  
مستحسن عجم اهل افق  
مستحسن عجم اهل افق  
مستحسن عجم اهل افق  
مستحسن عجم اهل افق  
مستحسن عجم اهل افق  
مستحسن عجم اهل افق  
مستحسن عجم اهل افق

# SHANSABANEYA

فرخنده بلاهشت مارچ روز جهانے زن



من آمدہ ام تا تو بہ آرامش برسی!

Email: [hazinyar.gjcf@gmail.com](mailto:hazinyar.gjcf@gmail.com)

Mobile: 0799237579